

موسی‌الرضا وحیدی<sup>۱</sup>

## تغییر عرصه سیاست بین‌الملل و دگرگونی ماهیت دیپلماسی

### چکیده

از اوایل دهه ۹۰ میلادی، در نتیجه توسعه فناوری‌های نوین اطلاعاتی، عرصه سیاست بین‌الملل که مبتنی بر قدرت سخت و نیروهای مادی بود تغییر یافته و عرصه سیاست اندیشه‌مند که از جنس هنجاری، فرهنگی، معنایی و متکی بر قدرت نرم است، شکل گرفته است. شکل‌گیری این فضا موجب شده تا دیپلماسی کلاسیک که مبتنی بر قدرت سخت بود، دچار چالش شود و دیپلماسی نوینی، مبتنی بر عرصه سیاست هنجاری و نرم تکوین یابد. پنج روند گسترش به هم پیوستگی جهانی، شکل‌گیری جامعه مدنی جهانی، اهمیت قدرت نرم، شکل‌گیری فضای اندیشه جهانی و افزایش دستاوردهای همکاری موجب تقویت عرصه سیاست اندیشه‌مند شده است. در نتیجه تغییر محیط بین‌الملل، ماهیت دیپلماسی نیز از نظر شکلی و محتوایی دگرگون شده است. توانایی دیپلماسی جهت مقابله با تهدیدات و بهره‌برداری از فرصت‌های محیط جدید، نیازمند انجام اصلاحات ساختاری، تغییر در رویه‌ها و کارکردهای گذشته و استفاده از ابزارها و تکنیک‌های نوین است.

### واژگان کلیدی:

فناوری‌های نوین اطلاعاتی - ارتباطی، عرصه سیاست بین‌الملل، عرصه سیاست اندیشه‌مند، جامعه مدنی جهانی، قدرت نرم، دگرگونی ماهیت دیپلماسی.

۱. موسی‌الرضا وحیدی دانشجوی دکترای روابط بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران است.

## مقدمه

دیپلماسی، مفهومی گسترده و دارای تعاریف مختلفی است. بارستون در کتاب «دیپلماسی مدرن» دو تعریف برای آن ذکر کرده است، ۱. دیپلماسی، مدیریت روابط بین دولت‌ها و دیگر بازیگران بین‌المللی است. ۲. دیپلماسی، شکل‌دهی و اجرای سیاست خارجی است.<sup>(۱)</sup> اما از دیدگاه واتسون، دیپلماسی عبارت از اداره روابط بین‌الملل از طریق گفتگو و مذاکره می‌باشد و کاربرد آن صرفاً به نمایندگی‌های دیپلماتیک و یا سیاست خارجی اشتباه است، آنها فقط یکی از شیوه‌های هدایت گفتگو و تنظیم روابط دولت‌ها با دیگر بازیگران بین‌المللی هستند.<sup>(۲)</sup> در نتیجه دیپلماسی، مفهومی جامع‌تر است که مدیریت روابط بین‌الملل، سیاست خارجی و خدمات دیپلماتیک را شامل می‌شود.

علاوه بر گستردگی و ابهام مفهوم دیپلماسی، ماهیت آن در طول تاریخ در نتیجه تحولات ایجاد شده در محیط بین‌المللی تغییر کرده است. به عبارت دیگر یک رابطه گسست‌ناپذیری بین دیپلماسی و محیط اطراف آن وجود داشته است. امروزه محیط بین‌المللی فراتر از مدل مکانیک کوانتومی که فوآیندهای تصادفی و مبهم جزو ویژگی آن است، درک می‌شود. سیستم بین‌المللی پویا و پیچیده‌تر شده است و نیروهای نامحسوس مثل قواعد، هنجارها و اطلاعات می‌توانند زمینه تغییرات گسترده فیزیکی را در آن ایجاد کنند.

محیط جدید بین‌المللی برآیند پیچیده سه تحول گسترده، در هم تنیده و در حال گذار است. اولین عامل، سیاسی است که در نتیجه فروپاشی سیستم دوقطبی رخ داد و منجر به گسترش رژیم‌های دموکراتیک و در نتیجه پراکندگی قدرت دولت‌ها و افزایش تقاضا برای شفافیت عرصه دیپلماسی شد.<sup>(۳)</sup> دومین تحول (جهانی شدن)، ماهیتی اقتصادی دارد که منجر به افزایش قدرت بازار، بازیگران غیردولتی و فرآیند خصوصی‌سازی و امنیت‌زدایی از موضوعات مهم بین‌المللی و اهمیت موضوعات اقتصادی در عرصه بین‌المللی شد.<sup>(۴)</sup> سومین تحول، انقلاب اطلاعات است که موجب تقویت جریان‌های فراملی و نیروهای نامحسوس مثل هنجارها، قواعد و باورها در شکل‌دهی رفتارها و درهم‌تنیدگی بیشتر عرصه

بین‌المللی شده است.<sup>(۵)</sup> به‌رغم نقش مکمل این سه عامل در تغییر محیط بین‌المللی، عامل انقلاب اطلاعات از اهمیت زیادتری برخوردار است و باعث شتاب تحول در دو عامل دیگر شده است، لذا در این نوشتار بیشتر به نقش فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی در تغییر عرصه سیاست بین‌الملل و تأثیر آن بر ماهیت دیپلماسی پرداخته می‌شود.

گسترش جهانی فناوری‌های نوین اطلاعاتی - ارتباطی از اوایل دهه نود، روابط قدرت سلسله‌مراتبی بین بازیگران داخلی و بین‌المللی را تغییر داد و زمینه تحول گسترده در حوزه‌های مهم اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را فراهم کرد. این فناوری‌ها، اطلاعات، دانش و هنجارها را به یک منبع مهم قدرت ملی تبدیل کرده که پیامدهای مهمی نیز بر دیپلماسی داشته و موجب تغییر محتوی و نحوه اجرای آن شده است، به نحوی که برخی از آن به عنوان انقلاب در امور دیپلماتیک<sup>۱</sup> یاد کرده‌اند.<sup>(۶)</sup>

توجه و فهم بهتر این تحولات، زمینه موفقیت دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران را در محیط جدید بین‌المللی فراهم می‌سازد. سؤال اصلی تحقیق این است که تغییر محیط بین‌المللی چه تاثیری بر دیپلماسی داشته است؟ در پاسخ به سؤال اصلی، فرضیه نوشتار این است که انقلاب اطلاعات موجب تغییر عرصه سیاست بین‌الملل و شکل‌گیری عرصه سیاست اندیشه‌مند<sup>۲</sup> شده است. شکل‌گیری این عرصه نیز زمینه تحول در ماهیت دیپلماسی (محتوی، اجرا، ساختار، ابزار، روش و کارکرد) را فراهم کرده است.

برای بررسی فرضیه مذکور، ابتدا مفهوم فناوری‌های نوین اطلاعاتی تعریف و ارتباط آن با عرصه سیاست بین‌الملل مشخص می‌شود. در ادامه پیامد آن بر شکل‌گیری محیط جدید بین‌المللی یعنی شکل‌گیری عرصه سیاست اندیشه‌مند بررسی خواهد شد و در خاتمه تأثیر این تحولات بر ماهیت دیپلماسی و همچنین شرایط دیپلماسی کارآمد تشریح می‌شود.

1. Revolution in Diplomatic Affairs (RDA)

2. Noopolitik

## فناوری‌های نوین اطلاعاتی - ارتباطی و عرصه سیاست بین‌الملل

محققان روابط بین‌الملل، تعریف‌های نسبتاً مشابهی از فناوری‌های نوین اطلاعاتی-ارتباطی ارائه کرده‌اند که عبارت است از: گسترش بی‌سابقه مجموعه‌ای از ماشین‌ها همچون کامپیوترها، داده پردازنده‌ها، ماهواره‌ها، فیبر نوری، تلفن‌های بی‌سیم، تلویزیون‌های کابلی و غیره که از طریق نرم‌افزار فعال می‌شوند و انتقال حجم عظیمی از داده‌ها را به شکل متن، تصویر، صدا و گرافیک با سرعت خارق‌العاده در مقیاس وسیع با هزینه نازل در سراسر جهان امکان‌پذیر می‌سازند.<sup>(۷)</sup>

تفاوت این فناوری‌ها که از اواخر دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ در جهان گسترش یافتند، با فناوری‌های قبلی این است که این فناوری‌ها موجب شکل‌گیری فضای مجازی و افزایش تعاملات بین بازیگران بین‌المللی شده‌اند. در واقع توسعه آنها، موجب آغاز انقلاب سوم در جهان شده که ضمن تغییر شکل تولید بر مبنای اطلاعات، ساختار روابط بین‌الملل و دیپلماسی را دگرگون ساخته است. این تکنولوژی‌ها، ارتباطات انسانی را به سطح جدیدی ارتقاء داده و به باور هرارا<sup>۱</sup> مهم‌ترین نیروی پیش‌برنده روند جهانی شدن و دگرگونی‌های در حال وقوع در فضای فعالیت‌های انسانی است و برداشت‌های سنتی از قلمرو سیاسی، حاکمیت، قدرت و منافع ملی را به چالش کشیده است.<sup>(۸)</sup>

به باور آلون تافلر<sup>۲</sup>، در نتیجه توسعه این فناوری‌ها، جهان به سوی یک انقلاب عظیم اجتماعی و اقتصادی در حال حرکت است و دستیابی و کنترل این فناوری‌ها به یکی از مؤلفه‌های اصلی قدرت دولت‌ها تبدیل شده و زمینه رقابت شدید آنها را فراهم کرده است.<sup>(۹)</sup> به باور رابرت کوهن و جوزف نای نیز آنچه عصر اطلاعات را از گذشته متمایز می‌نماید، شتاب و گسترش انتشار اطلاعات نیست چون این موضوع در قرن نوزدهم نیز اتفاق افتاده است، بلکه فشردگی زمان و مکان و افزایش تعاملات است که موجب سرعت تغییرات نهادی می‌شود.<sup>(۱۰)</sup>

از دیدگاه روزنا نیز، تغییرات تکنولوژیکی موجب ظهور عصر پسا بین‌الملل و ایجاد تحولات عمیق در سطح فردی و سیستمی شده است. این تکنولوژی‌ها، میزان و ظرفیت تعاملات انسانی و صلاحیت و شایستگی شهروندان را افزایش داده و باعث کاهش اقتدار دولت‌ها شده است.<sup>(۱۱)</sup> از نظر کارن کراس<sup>۱</sup>، نیز فناوری‌های اطلاعاتی موجب افزایش ارتباطات، تقویت دموکراسی، ایجاد شهروندان آگاه، کاهش اقتدار دولت‌ها و کاهش احتمال جنگ و افزایش قدرت افراد شده است.<sup>(۱۲)</sup>

به‌طور کلی فناوری‌های اطلاعاتی بر توانایی‌ها، ایده‌ها و اولویت‌های دولت‌ها و افراد تأثیر می‌گذارد و در نتیجه موجب تغییر عرصه سیاست بین‌الملل و فشرده‌تر شدن آن می‌شود. جهان سنتی آنارشیک دولت محور، در حال جایگزینی با عرصه سیاسی جدیدی است که متشکل از بازیگران متنوع و گسترده غیردولتی، فراملی و فروملی با منافع متنوع و متضاد است و از جمله ویژگی‌های آن، غیرسرزمینی شدن فضای سیاسی، تمرکززدایی از اقتدار دولتی و تکثر در تدبیر امور جهان<sup>۲</sup> می‌باشد.<sup>(۱۳)</sup>

پیامد تغییرات فناوری بر عرصه سیاست بین‌الملل به دو روش متمایز رخ می‌دهد:

۱. از چشم‌انداز ابزاری، فناوری‌های جدید باعث افزایش یا کاهش قدرت بازیگران اجتماعی، مثل دولت‌ها، گروه‌ها، طبقات و نهادها می‌شوند و زمینه تأثیرگذاری گروه‌های حاشیه‌ای را در عرصه سیاست بین‌الملل فراهم می‌سازند.

۲. به روش تکوینی و در سطح عمیق‌تر و غیرمحسوس می‌توانند هویت‌ها، درک بازیگران اجتماعی از خود و حتی طبیعت قدرت را تغییر داده و بازتولید کنند.<sup>(۱۴)</sup>

اما به‌رغم تأثیرات گسترده فناوری‌های نوین در شکل‌گیری محیط جدید بین‌المللی، پیامدهای آن به دلیل تداوم منازعه بین عرصه دولتی و غیردولتی، به‌طور دقیق در تمامی ابعاد مشخص نیست. توسعه شبکه جهانی بین‌المللی عام و قابل دسترس برای همگان ظرفیت و قدرت دولت‌ها را کاهش می‌دهد، اما توسعه شبکه جهانی محدود به ضرر افراد می‌باشد.

### شکل‌گیری عرصه سیاست اندیشه‌مند

عصر اطلاعات، دیپلماسی کلاسیک را که مبتنی بر عرصه سیاسی واقعی<sup>۱</sup> و قدرت سخت بود، دچار چالش کرد و دیپلماسی نوینی مبتنی بر عرصه سیاست اندیشه‌مند در حال شکل‌گیری است. شکل‌گیری فضای مجازی<sup>۲</sup>، فضای اندیشه<sup>۳</sup> و فضای اطلاعات<sup>۴</sup> بازتاب تحولات و تغییرات تکنولوژیکی، نهادی و هنجاری در عرصه سیاست جهانی است.<sup>(۱۵)</sup>

۱. فضای مجازی: این فضا به ارتباطات مجازی مربوط است که توسط شبکه‌های الکترونیکی همچون اینترنت ایجاد شده است. اکنون بیش از ۱/۵ میلیارد کاربر اینترنتی در جهان وجود دارد.<sup>(۱۶)</sup> از نظر رینگولد<sup>۵</sup> ارتباطات مجازی موجب شکل‌گیری ماتریسی از اندیشه‌ها و افکار مردم جهان و نزدیکی بیشتر آنها به یکدیگر می‌شود که این باعث ارتباط فضای مجازی با فضای دانش بشری خواهد شد.<sup>(۱۷)</sup>

۲. فضای اطلاعات: با توجه به محدودیت واژه فضای مجازی، برخی فضای اطلاعات را به کار می‌برند که جامع‌تر از اولی است. علاوه بر فضای مجازی، شامل فناوری‌های اطلاعاتی نیز می‌شود که بخشی از شبکه جهانی اینترنت است که در آن ایده سنتی فضا و زمان دچار تحول می‌شود.<sup>(۱۸)</sup>

۳. فضای اندیشه: این اصطلاح از کلمه یونانی (noos) به معنای ذهن و فکر (mind) گرفته شده است. از نظر تیل هارد<sup>۶</sup> در ابتدا فضای سرزمینی<sup>۷</sup> مهم بود، سپس فضای زیستی<sup>۸</sup> اهمیت یافت و اکنون که مردم جهان در مقیاس جهانی در ارتباط و تعامل هستند، فضای اندیشه مهم شده است. برخلاف دو حوزه قبلی، این قلمرو کمتر تکنولوژیک است و بر هنجارها، دانش و اطلاعات متکی است. به باور تیل هارد، این فضا موجب رشد آگاهی جهانی شده است. فضای اندیشه، هم شامل فضای اطلاعاتی و هم فضای مجازی است. این فضا

1. Real Politik

2. Cyberspace

3. Noosphere

4. Infosphere

5. Rheingold

6. Teil Hard

7. Geosphere

8. Biosphere

موجب شکل‌گیری جامعه مدنی جهانی و اهمیت نقش بازیگران غیردولتی می‌شود. محرک اصلی ایجاد فضای اندیشه، NGOها و افراد هستند که خواستار آزادی اطلاعات و ارتباطات و گسترش هنجارها و اصول اخلاقی می‌باشند. یکی از عناصر اصلی قدرت دولت‌ها، همکاری با این قلمرو و بازیگران غیردولتی است. هر سه قلمرو، سطوح تکنولوژیکی، نهادی و اندیشه‌ای دارند و مبتنی بر دانش هستند. اگر فضای مجازی و اطلاعاتی به ساختارهای اطلاعاتی - ارتباطی مربوط است، فضای اندیشه به فرآیند پردازش اطلاعات مربوط است و به همین دلیل مهم‌تر است.<sup>(۱۹)</sup>

این سه فضا، زمینه را برای شکل‌گیری عرصه سیاست اندیشه‌مند فراهم کرده‌اند. ساختارها و دینامیزم جهانی به گونه‌ای تغییر کرده است که اکثر تئوری‌های جریان اصلی روابط بین‌الملل قادر به تبیین آن نیستند. این عرصه بر قدرت نرم، هنجارها، باورها و اصول اخلاقی از طریق رسانه‌های ارتباطی تأکید دارد. این عرصه، با عرصه سیاست واقعی متفاوت است که بر قدرت سخت و ابعاد مادی قدرت دولت‌ها تأکید دارد.

پنج روند درهم تنیده، عرصه سیاست اندیشه‌مند را تقویت می‌کند.

۱. گسترش به هم پیوستگی جهانی: واژه وابستگی متقابل<sup>۱</sup> که در دهه ۶۰ مطرح شد برای درک تحولات کنونی جهانی سازگار نیست، چون تنها بر وابستگی متقابل اقتصادی و برخی بازیگران فراملی مثل شرکت‌های چندملیتی تأکید داشت. اما اکنون بازیگران غیردولتی زیادی مثل شبکه‌های اطلاعاتی، رسانه‌های گروهی، سازمان‌های حقوق بشری و گروه‌های اجتماعی اهمیت یافته‌اند. آنها جنبه فراملی و غیردولتی دارند و حوزه فعالیت آنها فراتر از حوزه اقتصادی رشد یافته است، لذا ویژگی جهان به هم پیوستگی<sup>۲</sup> است که مفاهیمی چون آنا‌رشی و توازن قدرت را دچار چالش کرده است.<sup>(۲۰)</sup>

۲. شکل‌گیری جامعه مدنی جهانی: جامعه مدنی جهانی<sup>۳</sup> شامل فعالیت نیروهای

می‌شود که داوطلبانه و فراتر از مرزهای ملی عمل می‌کنند. از دید و پتر شرایط شکل‌گیری جامعه مدنی داخلی اکنون در سطح بین‌المللی فراهم شده است. جامعه مدنی جهانی به عنوان قلمرو فراملی از ویژگی خودمحرورانه دولتی فراتر می‌رود و دارای اهداف داوطلبانه، غیراقتصادی و عام‌المنفعه بوده و از سیستم دولتی مستقل است و حول بستری از فعالیت‌ها، منافع، اهداف و ارزش‌های مشترک شکل می‌گیرد. جامعه مذکور به نظم جهانی کمک می‌کند چون دولت‌ها به تنهایی قادر به مواجهه با چالش‌های جدید جهانی نیستند. این جامعه پایین‌تر از دولت و بالاتر از افراد قرار دارد. برخلاف جامعه سیاسی که در آن دعوی بر سر قدرت جریان دارد، در این جامعه، قانونی بودن و مسأله شأن انسانی مهم است. وجود دولت‌های دموکراتیک، توسعه اقتصاد جهانی و شکل‌گیری شبکه‌های فراملی به ایجاد آن کمک کرده‌اند. این جامعه نقش کارگزار سیاسی دارد و بر موضوعات عمومی نظارت می‌کند. آنها از طرق مختلف از جمله روش شرم‌نده‌سازی و تبلیغات، دولت‌ها را تحت فشار قرار می‌دهند تا اهداف و سیاست‌های آنها را مدنظر قرار دهند و در صورتی که دولت‌ها، اهداف آنها را تأمین نکنند، خود اقدام به قاعده‌سازی و نهادسازی می‌کنند، لذا نقش مهمی در شکل‌گیری قواعد، رویه‌ها و هنجارهای بین‌المللی دارند. به‌طور خلاصه این جامعه زمینه را برای شکل‌گیری حکومت انسان دوستانه و انسانی‌تر کردن تدبیر امور جهان فراهم کرده است. (۲۱)

۳. اهمیت قدرت نرم: نای در تعریف قدرت نرم می‌نویسد: قدرت نرم توانایی دستیابی به آنچه می‌خواهی از طریق جذب و اقتناع تا تهدید و اجبار و یا اعطای امتیاز است. قدرت نرم از جذابیت ارزش‌های فرهنگی، باورهای سیاسی و ایدئولوژیکی یک ملت ناشی می‌شود. وقتی سیاست‌های یک کشور در نظر دیگران مشروع جلوه کند، قدرت نرم آن کشور افزایش می‌یابد. قدرت سخت مبتنی بر تاکتیک‌های اجبار از قبیل تهدید به استفاده از نیروی نظامی، فشار اقتصادی، تحریم، ترور، نیرنگ و دیگر شکل‌های ارباب می‌باشد. عصر اطلاعات موجب افزایش اهمیت قدرت نرم شده است. دیگر تنها داشتن توانایی بالای نظامی



و اقتصادی مهم نیست. قدرت در عصر اطلاعات بین دولت‌ها و بازیگران غیردولتی تقسیم شده است. حقوق بشر، فرهنگ و هنجارهایی که جنبه جهانی تا محلی داشته باشند، منابع قدرت نرم هستند. قدرت نرم موجب شکل‌دهی رفتار دیگران می‌شود، نهادهای بین‌المللی به قدرت نرم یک کشور کمک می‌کند. بریتانیا در قرن ۱۹ و آمریکا در نیمه دوم قرن بیستم به بعد توانستند ارزش‌های خود را از طریق ایجاد ساختارها، قواعد و نهادهای بین‌المللی توسعه بخشند. قدرت نرم در کنترل دولت‌ها نیست، بلکه در کنترل جامعه مدنی است، لذا موجب افزایش قدرت بازیگران غیردولتی شده است. (۲۲)

گسترش فناوری‌ها و شبکه‌های اطلاعاتی موجب دستیابی بازیگران غیردولتی و حاشیه‌ای به قدرت نرم شده است. آنها از این طریق می‌توانند ارزش‌های خود را تبلیغ و حمایت مالی و معنوی به دست آورند و نفوذ خود را بر دستور کار جهانی افزایش دهند. قدرت نرم اغلب به صورت غیرمستقیم و از طریق شکل‌دادن به محیط عمل می‌کند، لذا مدت زمان طولانی طول می‌کشد تا نتیجه‌بخش باشد. کنترل رسانه‌های گروهی، باورها و ایده‌ها در سطح جهانی در این راستا از اهمیت زیادی برخوردار است. این شکل از قدرت یک‌طرفه نیست و مبتنی بر تعامل با دریافت‌کنندگان آن است. اگر صرفاً به توانایی‌ها، هویت‌ها و منافع توجه شود، همان‌گونه که قدرت ابزاری و ساختاری این کار را می‌کنند، قادر به درک تغییرات ناشی از شبکه‌های اطلاعاتی نیستیم. به عبارت دیگر قدرت نرم مربوط است به اینکه چگونه شبکه‌ها موجب شکل‌گیری، هویت‌ها، منافع و نهادها می‌شوند، یا آنها را بازتولید می‌کنند. (۲۳)

همان‌گونه که هارت<sup>۱</sup> بیان داشته است، در عصر اطلاعات ایده‌ها، منافع و نهادها بازتولید می‌شوند و قدرت از خاستگاه اصلی خود تغییر مکان می‌دهد، در نتیجه این تکنولوژی‌ها، طبیعت قدرت و کسانی که از آن استفاده می‌کنند را تغییر می‌دهد. (۲۴)

۴. افزایش دستاوردهای همکاری: در عصر اطلاعات به دلیل افزایش نقش

جریان‌های فراملی و جامعه مدنی جهانی، هزینه استفاده از نیروی نظامی زیاد می‌شود، در نتیجه اهمیت همکاری بیشتر می‌شود. کشورهایی که بر سیاست همکاری حتی با مخالفان خود روی می‌آورند، دستاوردهای بیشتری کسب می‌کنند. استراتژی ملی و قدرت کشورها کمتر بر مبنای منازعه و رویارویی با مخالفان خواهد بود و مبتنی بر همکاری در عین رقابت می‌باشد. اهمیت همکاری با تقویت عرصه سیاست اندیشه‌مند و قدرت نرم بیشتر می‌شود. این عرصه، زمینه را برای شفافیت، انعطاف‌پذیری، همکاری، حکومت قانون، تدبیر مشترک جهانی و حل مسالمت‌آمیز اختلافات فراهم می‌کند. سیاست حداکثرسازی قدرت به سیاست گسترش و تقسیم قدرت تبدیل می‌شود. اگرچه عرصه سیاست واقعی در برخی مناطق مثل خاورمیانه هنوز مهم باقی مانده است. (۲۵)

در عرصه سیاست اندیشه‌مند، فرآیندهای چانه‌زنی و دیپلماسی نقش مهمی در اختلافات ایفا می‌کنند. آرنسون<sup>۱</sup> بر اهمیت فرآیند چانه‌زنی در عرصه سیاست جهانی تأکید دارد. اما از نظر وی غلبه فرآیند چانه‌زنی به معنای این نیست که همیشه بازیگران غیردولتی در آن‌ها پیروز می‌شوند. بازیگران ضعیف اغلب اقتدار بازیگرانی مثل دولت‌ها را که بر وضعیت سیاسی - اقتصادی مسلط هستند، به چالش می‌کشند. (۲۶)

۵. شکل‌گیری فضای اندیشه جهانی: این فضا برگسترش اطلاعات، هنجارها، ایده‌ها و اصول اخلاقی از طریق قدرت نرم تأکید دارد. منافع ملی هنوز نقش مهمی در سیاست خارجی ایفا می‌کند، اما دیگر مبتنی بر درک ایستا و محدود عرصه سیاست واقعی نیست، بلکه براساس منافع کل جامعه و تمام بازیگران بازتعریف می‌شود. عرصه سیاست اندیشه‌مند دولت‌ها را ترغیب می‌کند تا در چارچوب جمعی و ائتلافی همکاری کنند. در این عرصه، دانش، به مهم‌ترین مؤلفه قدرت تبدیل می‌شود. در کل هر دو عرصه مهم و مکمل یکدیگر هستند. رفتار دیپلماسی در عرصه سیاست واقعی مبتنی بر دولت محوری، قدرت سخت و درک محدود از منافع ملی است و اصولاً این عرصه غیراخلاقی است. راه برقراری نظم در آن

توازن قدرت، یا قدرت هژمون است. اما قدرت یافتن جامعه مدنی جهانی و جریان‌ات فراملی، قدرت و آزادی عمل دولت‌ها و به‌طور کلی ابزار قدرت سخت را محدود کرده است. قدرت سخت در عرصه ای مؤثر است که در آن اصول اخلاقی و هنجاری اهمیت نداشته باشد، اما با تقویت افکار عمومی جهانی، قدرت هنجارها و نرم افزایش یافته است. در جدول زیر عرصه سیاست واقعی و عرصه سیاست اندیشه‌مند مقایسه شده است. (۲۷)

#### مقایسه عرصه سیاست واقعی و عرصه سیاست اندیشه‌مند

عرصه سیاست واقعی	عرصه سیاست اندیشه‌مند
اهمیت دولت‌محوری	اهمیت بازیگران غیردولتی
اهمیت قدرت سخت	اهمیت قدرت نرم
بازی با حاصل جمع صفر	بازی یا حاصل جمع مثبت
ویژگی تعارض آمیز سیستم بین‌المللی	امکان هماهنگی منافع و همکاری
ائتلاف متمایل به تهدید	اهمیت شبکه‌ها برای امنیت
اهمیت منافع ملی خودمحور	اهمیت منافع جمعی
اهمیت دستاورد نسبی	اهمیت دستاوردهای مطلق
محافظت در برابر جریان آزاد اطلاعات	اهمیت انتشار اطلاعات
اهمیت توازن قدرت	اهمیت توازن مسؤلیت‌ها
مبنای قدرت، ملی است	مبنای قدرت، جهانی است

#### دگرگونی ماهیت و طبیعت دیپلماسی

تغییر محیط بین‌المللی و شکل‌گیری عرصه سیاست اندیشه‌مند تحت تأثیر فناوری‌های نوین اطلاعاتی منجر به دگرگونی ماهیت دیپلماسی شده است. همانطور که در مقدمه تأکید شد جهان به پایان مدل نیوتونی در عرصه سیاست بین‌الملل نزدیک می‌شود که

در آن دولت‌ها به عنوان بازیگران یک‌پارچه و مستقل همانند توپ‌های بلیارد فرض می‌شدند که در چارچوب قواعد تعیین‌گرایانه و تعاملات قابل پیش‌بینی در درون سیستم عمل می‌کردند. این سیستم مکانیکی نسبتاً ایستا و بی‌ثبات بود و در صورت بروز بی‌ثباتی، سیستم موازنه قوا آن را به حال تعادل برمی‌گرداند. امروزه محیط بین‌المللی نیازمند این است که به‌عنوان مدل مکانیک کوانتومی درک شود که در آن فرآیندهای تصادفی و ویژگی ذاتی آن است و بسیار پویا و پیچیده است و نیروهای غیرمادی همچون قدرت نرم، اصول اخلاقی، هنجارها و اطلاعات، پیامدهای محسوس در سیستم ایجاد می‌کنند. (۲۸)

درحال حاضر شاهد ترکیبی از همزیستی مدل دولت‌های پست و ستفالیایی و دولت‌های قرون وسطایی در سیستم بین‌المللی هستیم. منابع وفاداری در حال تغییر و تکثیر است. افراد به‌طور روزافزونی در حال تحکیم وفاداری خود به نهادهای غیردولتی - همانند دوران قرون وسطی - هستند. این وفاداری‌ها اغلب در تضاد با منافع ملی دولت‌ها است، ظهور جوامع قوی، منافع و رویه‌ها با رشد فزاینده سازمان‌های غیردولتی و دیگر عناصر جامعه مدنی فراملی، تعیین حدود مرزها و قلمرو حاکمیت کشورها را پیچیده و متحول کرده است و خطوط روشنی بین موضوعات داخلی و بین‌المللی وجود ندارد. (۲۹)

پیامد این تحولات بر ماهیت و طبیعت دیپلماسی چیست؟ در زیر پیامد آن بر محتوا، نحوه اجرا و هدایت و کارکردهای دیپلماسی بررسی می‌شود.

### محتوا و اشکال جدید دیپلماسی

با تحولات ایجاد شده در سیستم بین‌المللی، تمرکز و محتوای دیپلماسی نیز تغییر کرده است و دیگر همانند گذشته، تمرکز آن بر سیاست علیا<sup>۱</sup> نیست. در درک سنتی واقع‌گرایی از روابط بین‌الملل، کنش‌های دولت‌ها تحت تأثیر عوامل محسوس قدرت بود و محتوای دیپلماسی را نیز مسائل مرتبط با جنگ و صلح تشکیل می‌داد. اما در محیط جدید بین‌المللی،

مسائل استراتژیک و سیاسی گذشته همچون توازن قدرت، تغییر حدود مرزها، مذاکرات کنترل تسلیحات و تشکیل اتحادهای سیاسی و نظامی دیگر اهمیت سابق را ندارد و با مسائل جدیدتری جایگزین شده‌اند. در نتیجه، موضوعاتی چون مهاجرت‌های غیرقانونی، حقوق بشر، تروریسم بین‌المللی، جنایات سازمان‌یافته، تجارت مواد مخدر، خطرات زیست‌محیطی، گسترش تسلیحات کشتار جمعی، جریانات فراملی تجاری، مالی، اقتصادی، حق مالکیت معنوی، استانداردهای کاری و به طور کلی موضوعات سیاست سفلی<sup>۱</sup> از اهمیت بیشتری در دستور کار دیپلماسی برخوردار شده‌اند. به عبارت دیگر دیپلماسی در عصر اطلاعات، بایستی حوزه گسترده‌ای از موضوعات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست‌محیطی، علمی، حقوقی و عوامل سنتی سیاسی و نظامی را تلفیق کند.

به طور کلی محتوی و اشکال دیپلماسی نوین به شرح زیر می‌باشد:

۱. اهمیت دیپلماسی موضوعی و تخصصی: گسترش دیپلماسی موضوعی<sup>۲</sup> یا دیپلماسی کاربردی<sup>۳</sup> همانند مذاکرات در سازمان تجارت جهانی یا مذاکرات مربوط به عدم گسترش تسلیحات کشتار جمعی یا موضوعات حقوق بشری، سازمان تجارت جهانی و یا موضوع تروریسم بین‌الملل، از ویژگی‌های عصر اطلاعات و جهانی شدن است.<sup>(۳۰)</sup> در نتیجه، دیپلماسی به عرصه رقابت دیپلمات‌های متخصص و کارآمد تبدیل شده است که ضمن آشنایی با فنون پیچیده دیپلماتیک بایستی به موضوعات پیچیده جهانی نیز اشراف داشته باشند.

۲. اهمیت دیپلماسی عمومی: توسعه فناوری‌های نوین ارتباطی - اطلاعاتی همچون شبکه جهانی اینترنت، ماهواره‌های تلویزیونی و به طور کلی رسانه‌های گروهی بر اهمیت این نوع از دیپلماسی افزوده است. هدف اصلی در این دیپلماسی تأثیرگذاری بر افکار عمومی جهان از طریق کنترل ایده‌ها، باورها و هنجارها و در نهایت شکل‌دهی ایستارها و رفتارها در

راستای اهداف موردنظر از طریق رسانه‌های گروهی و به طور کلی با کمک ابزارهای فرهنگی و اطلاعاتی است. در این نوع دیپلماسی، هدف اصلی برقراری ارتباط، فقط با دولت‌ها نیست، بلکه برقراری ارتباط با مردم و سازمان‌های غیردولتی از طریق فرآیندهای میان فرهنگی و به منظور ارائه تصویر مثبت از اهداف کشور اهمیت دارد. در نتیجه تقویت مهارت‌های ارتباطی در دیپلمات‌ها و توجه به این ویژگی‌ها در انتخاب سفرا و دیپلمات‌ها اهمیت زیادی دارد. آگاهی و برداشت واقع‌بینانه از باورها و ارزش‌های مردم جهان در تصمیم‌گیری و برقراری ارتباط مؤثر است. دیپلماسی اگر حمایت افکار عمومی داخلی و جهانی را نداشته باشد و به زبان روز عمل نکند، موفق نخواهد بود.<sup>(۳۱)</sup>

۳. اهمیت دیپلماسی مجازی: رشد سریع فناوری‌های ارتباطی موجب تشدید تعاملات بین‌المللی بیرون از مجاری سنتی دیپلماتیک شده و دولت‌ها را با این واقعیت روبه‌رو کرده است که شکل نوینی از دیپلماسی تحت عنوان دیپلماسی مجازی<sup>۱</sup> وارد عرصه معادلات بین‌المللی شده است. فضاهای مجازی به واسطه ماهیت غیرقابل کنترل آن، پدیده‌ای است که به خوبی می‌توان از آن به عنوان عنصری تعیین‌کننده در تعقیب اهداف ملی استفاده کرد. این نوع دیپلماسی اکنون به مشخصه اصلی محیط جدید بین‌المللی تبدیل شده که هم بر پیامدها و هم بر فرآیندهای دیپلماسی تأثیرگذار است. امروزه یکی از راه‌های اندازه‌گیری توانایی قدرت دولت‌ها، واکنش سریع آنها به رویدادها و روندهای سریع در حال وقوع جهانی است و این به ساختار و میزان انعطاف‌پذیری دستگاه دیپلماسی یک کشور و میزان استفاده آن از فناوری‌های نوین بستگی دارد. یکی از عناصر مهم دیپلماسی مجازی، شکل‌گیری سفارتخانه‌های مجازی<sup>۲</sup> است که نمونه آن در بحران کوزوو دیده شد که تنها به یک کارشناس، یک لپ‌تاپ، یک مودم، ماهواره و خط تلفن نیاز داشت. این نوع دیپلماسی، قدرت و سرعت ارتباط کشورها را با جهان خارج و همچنین دستیابی به اطلاعات و انتقال آن را بسیار افزایش می‌دهد.<sup>(۳۲)</sup>

به‌طور کلی بهره‌گیری از فناوری‌های نوین در دیپلماسی نقش مهمی در تسهیل و تسریع مذاکرات بین‌المللی، تبادل و دستیابی به اطلاعات، تسریع در مبادلات تجاری از طریق تجارت الکترونیکی، تأثیرگذاری بر افکار عمومی و افزایش مناسبات بین‌المللی ایفا می‌کند و موجب کارآمدتر شدن دستگاه دیپلماسی کشورها می‌شود.

۴. اهمیت دیپلماسی چندجانبه: به دلیل افزایش نقش بازیگران متعدد در عرصه دیپلماسی به تدریج شاهد افزایش اهمیت دیپلماسی چندجانبه در مقابل دیپلماسی دوجانبه دولت با دولت هستیم. امروزه اغلب سازمان‌های بین‌المللی و یا شرکت‌های چند ملیتی دارای دستگاه دیپلماتیک برای خود هستند. بسیاری از نهادهای دولتی خارج از دستگاه دیپلماسی در خارج از کشور نماینده دارند و در بسیاری از مذاکرات دیپلماتیک حضور دارند. آنها از منابع و قدرت خود برای تأثیرگذاری بر فرآیندهای دیپلماتیک و دستورکار آن استفاده می‌کنند. ضرورت‌های این نوع دیپلماسی محدودیت‌هایی را بر بازیگران دولتی برای کنترل نتیجه نهایی مذاکرات اعمال کرده و این به دلیل حضور بازیگران متعدد با منافع و انتظارات مختلف و متنوع و گسترش دستورکار دیپلماسی می‌باشد. (۲۳)

۵. اهمیت دیپلماسی اقتصادی: با اهمیت یافتن مسائل سیاست سفلی در دستورکار جهانی و کاهش رقابت‌های ایدئولوژیک، توسعه و رفاه اقتصادی به یکی از اهداف اصلی دیپلماسی کشورها تبدیل شده است و دیگر اهداف همچون امنیت ملی نیز تابعی از آن فرض می‌شود. هدف دیپلماسی اقتصادی فراهم‌کردن بستر و زمینه لازم برای گسترش مناسبات سودمند اقتصادی با جهان خارج و هموارکردن مسیر جذب سرمایه‌گذاری و فناوری خارجی است. در نتیجه یکی از کارویژه‌های اصلی نمایندگی‌های دیپلماتیک باید در این راستا بازتعریف شود. (۲۴)

## اجرا و هدایت دیپلماسی

با تغییر بستر و محتوای دیپلماسی نحوه اجراء و هدایت آن نیز تغییر یافته است. در

محیط جدید بین‌المللی، توانایی دیپلماتیک نهادی دولت‌ها برای تداوم دستاوردهای دیپلماتیک تحت تأثیر قرار گرفته است. نقش بازیگران غیردولتی در عرصه سیاست خارجی بسیار افزایش یافته است که شامل بازیگران غیردولتی داخلی، NGOها و بازیگران غیردولتی بین‌المللی و افراد می‌شود که به طور مستقیم یا یکدیگر خارج از کانال‌های سنتی دیپلماتیک تعامل می‌کنند. لذا مشخصه محیط جدید بین‌المللی، وجود روابط پیچیده دیپلماتیک بین بازیگران متکثر با منافع مختلف و مرزهای نامعین است. این موجب تضعیف نقش دولت‌ها در هدایت و اجرای انحصاری موضوعات و مسائل سیاست خارجی شده است. (۳۵)

در محیط جدید مرز بین صلح و جنگ زیاد مشخص نیست. تهدیدات علیه امنیت ملی کشورها بیشتر از جنس قدرت نرم یعنی ایده‌ای و هنجاری است، مثل تابعیت، زبان، مذهب، قومیت و باورها و این تهدیدات کمتر مثل تهدیدات سابق جنبه ملموس و فیزیکی دارد. همچنین خطوط روشنی بین موضوعات داخلی و بین‌المللی وجود ندارد. در نتیجه برخی نهادهای داخلی به بازیگران اصلی در توسعه سیاست‌های خارجی دولت‌ها تبدیل شده‌اند و گروه‌های مختلف با منافع متنوع و ناهمخوان خواستار اجرای ملاحظات خود در سیاست خارجی هستند. در نتیجه اجرای سیاست خارجی فراتر از مذاکرات دوجانبه بین وزرای خارجه دولت‌های دارای حاکمیت مطلق است، بلکه سیاست خارجی فرآیند بسیار پیچیده و متکثر است که در آن بازیگران مختلف دخیل هستند.

قبل از وقوع انقلاب در فناوری‌های اطلاعاتی، سفرا و نمایندگان دیپلماتیک از اعتبار و استقلال نسبی بیشتری برای هدایت امور دیپلماتیک همچون وظایف مذاکره و نمایندگی برخوردار بودند. محدودیت ارتباطات به دستگاه دیپلماسی اجازه می‌داد تا هدایت و کنترل امور خارجی را در انحصار خود داشته باشد. اما در نتیجه توسعه این تکنولوژی‌ها، وظایف و مسؤولیت‌های دیپلمات‌ها دچار تغییرات بنیادین شده و زمینه تماس گسترده مستقیم نهادهای دولتی و غیردولتی در ورای مرزهای ملی تسهیل شده است. مذاکرات دیپلماتیک از حالت دوجانبه خارج و شکل چندجانبه پیدا کرده که موضوع آن سیاست سفلی است. در



نتیجه وزارت خارجه و نمایندگی‌های دیپلماتیک انحصار خود را بر امور خارجی از دست داده اند. بسیاری اعضای این نمایندگی‌ها اکنون، نمایندگان سازمان‌های مختلف هستند که در تماس مستقیم با سازمان مربوط در کشور خود و هم‌تایان خود در کشور میزبان هستند، در نتیجه دیپلماسی نوین بایستی منافع کل افراد جامعه را مدنظر قرار دهد و همکاری نزدیک‌تری با بازیگران غیردولتی برقرار نماید.<sup>(۳۶)</sup>

### شرایط شکل‌گیری دیپلماسی کارآمد متناسب با محیط جدید بین‌الملل

اگر دولت‌ها درک واقع بینانه‌ای از تغییرات ایجاد شده در محیط بین‌المللی نداشته باشند و در برداشت‌های دیپلماسی سنتی دولت محور تجدیدنظر نکنند، قادر به مواجهه با محیط جدید بین‌المللی و بهره‌برداری از فرصت‌ها و مقابله با تهدیدات نوین نخواهند بود. دیپلماسی موثر نیازمند انجام تغییرات در نهادها، روش‌ها، ابزارها و کارکردها می‌باشد.

۱. تغییرات نهادی: برای مواجهه با تحولات نوین، ایجاد تغییرات بنیادین در ساختار دیپلماسی و فرآیند تصمیم‌گیری لازم است تا کمتر مبتنی بر نظم سلسله مراتبی گذشته باشد. شکل‌گیری عرصه سیاست اندیشه‌مند، موجب تمرکززدایی در ساختارهای بروکراتیک و مشکل شدن کنترل از بالا به پایین شده است. دولت‌ها اگرچه هنوز مهم‌ترین بازیگران باقی خواهند ماند، اما مجبور هستند در مدیریت دیپلماسی با بازیگران غیردولتی همکاری کنند. تحقق دیپلماسی قوی نیازمند همکاری با این بازیگران در محیط جدید بین‌المللی و ایجاد ساختارهای کارآمد و منعطف می‌باشد. اما متأسفانه کار ویژه اغلب وزارت خارجه‌های کشورهای جهان سوم هنوز بر مبنای ارتباط دولت با دولت طراحی شده است، لذا توانایی بهره‌برداری از فرصت‌های جدید را ندارند. امروزه بسیاری از موضوعات نوین دیپلماتیک در کنترل دولت‌ها نیست و در انحصار بازیگران و نهادهای غیردولتی است. با افزایش نقش بازیگران غیردولتی، دولت تا حدودی نقش وساطت‌کننده خود را از دست داده و این بر اقتدار و قدرت نهادی دولت‌ها، وزرای خارجه و دیپلمات‌ها تأثیر گذاشته است.

۲. تغییر در ابزارها: با ورود به عصراطلاعات و توسعه شبکه‌های کامپیوتری، اینترنت، شبکه تلفن بی‌سیم و گسترش تلویزیون‌های ماهواره‌ای، ابزارهای دیپلماتیک دچار تحول اساسی شده است. این ابزارها، زمینه دستیابی گسترده به اطلاعات درباره تحولات خارجی را فراهم کرده و موجب انفجار در تماس‌های مستقیم بین دولت‌ها و نهادهای دولتی، غیردولتی و افراد در ورای مرزهای ملی شده است. این تحولات همچنین منجر به توسعه تجارت جهانی و کاهش اهمیت مرزها و از بین رفتن تمایز بین موضوعات داخلی و خارجی شده است. در نتیجه یکی از راه‌های موفقیت دستگاه دیپلماسی، استفاده از ابزارهای نوین و سرمایه‌گذاری بر روی آنها است. (۳۷)

۳. دگرگونی در کارکردهای دیپلماسی: به‌طور سنتی کارکردهای سنتی دیپلماسی شامل پنج وظیفه جمع‌آوری اطلاعات، نقش‌مشرورتنی و ارتباطی، حفاظت از منافع ملی، مذاکره و انجام خدمات کنسولی بوده است. (۳۸) اما با شکل‌گیری عرصه سیاست اندیشه‌مند و توسعه جریان‌های فراملی و افزایش نقش بازیگران غیردولتی بسیاری از این وظایف از انحصار دستگاه دیپلماسی خارج شده است و بخشی از آن توسط بازیگران جدید انجام می‌شود. نمایندگی‌های دیپلماتیک دیگر تنها صدای حاکمیت و تنها نماینده کشورشان در خارج نیستند و فناوری‌های نوین موجب شکست انحصار اطلاعات از سوی آنها شده است. (۳۹) در گذشته مذاکرات دیپلماتیک صرفاً توسط دیپلمات‌ها انجام می‌گرفت و آنها زمینه بسط همکاری میان نهادهای ملی و فراملی را فراهم می‌نمودند، اما امروزه بسیاری از ارتباطات بین بازیگران دولتی و غیردولتی در ورای مرزهای ملی به‌طور مستقیم با کمک ابزارهای نوین ارتباطی و خارج از کنترل دستگاه دیپلماسی انجام می‌شود. (۴۰)

روزنا بر آن است که کارکرد دیپلماسی به‌گونه فزاینده‌ای تابع تصمیمات بازیگران فراملی شده و با انتقال بسیاری از وظایف اداری نمایندگی‌های دیپلماتیک به بازیگران جدید، تعهدات دیپلماتیک کشورها تحلیل رفته است. (۴۱) در محیط جدید بین‌المللی کارکردهای نوینی جایگزین کارکردهای قبلی می‌شود که به‌طور خلاصه عبارتند از:

- کمک به اجرای مقررات بین‌المللی؛
- نمایندگی منافع بازیگران مختلف دولتی و خصوصی؛
- تسهیل‌سازی در برقراری روابط نهادهای ملی و فراملی؛
- اهمیت هماهنگی فعالیت بازیگران مختلف در راستای منافع ملی؛
- اهمیت سیاست اقتناع‌سازی و تصویرسازی و ارتباط بیشتر با مردم جهان؛
- اهمیت استفاده از ابزارهای نوین ارتباطی و اطلاعاتی؛
- انعطاف بیشتر در موضوعات سیاست خارجی؛
- افزایش اهمیت همکاری در نتیجه تشدید به هم پیوستگی جهانی و شکل‌گیری موضوعات و تهدیدات جهانی؛
- اهمیت شکل‌های نوین دیپلماسی (تخصصی، دیجیتالی، عمومی، رسانه‌ای و اقتصادی).

### نتیجه‌گیری

با تغییر محیط بین‌المللی و شکل‌گیری عرصه سیاست اندیشه‌مند، ماهیت دیپلماسی نیز دگرگون شده است. فناوری‌های نوین اطلاعاتی - ارتباطی موجب فشردگی زمان و مکان، افزایش تعاملات بین‌المللی، شتاب تغییرات نهادی و تأثیرگذاری بر توانایی‌ها، ایده‌ها و اولویت‌های دولت‌ها و افراد شده است. روابط سلسله‌مراتبی گذشته به سمت سیالیت و پویایی سوق یافته است. جهان سنتی آنارشیک دولت‌محور، جایگزین عرصه سیاسی پیچیده‌ای شده که متشکل از بازیگران متنوع و گسترده دولتی، غیردولتی، فراملی و فروملی با منافع متنوع و بعضاً متضاد است. در حالی که دولت‌ها هنوز به‌عنوان مهم‌ترین بازیگران عرصه سیاست بین‌الملل باقی می‌مانند، ولی در عین حال آنها مجبور می‌شوند وظایف و مسؤولیت‌های خود را با بازیگران غیردولتی در عرصه‌های مختلف از جمله دیپلماسی تقسیم کنند.

تشدید ارتباطات بین‌المللی، افزایش به هم پیوستگی جهانی، شکل‌گیری جامعه مدنی جهانی، تقویت جریان‌های فراملی، اهمیت افکار عمومی و عناصر قدرت نرم و افزایش هزینه استفاده از قدرت سخت، موجب اهمیت دیپلماسی، مذاکره و چانه‌زنی در روابط بین‌الملل به دلیل هزینه‌های نسبتاً کم آن، نسبت به دیگر ابزارهای قدرت در عرصه سیاست خارجی شده است.

در گذشته ابزارهای سنتی امنیت ملی همچون دیپلماسی با جلوه‌های فیزیکی قدرت ملی مثل نیروی نظامی و قدرت اقتصادی سر و کار داشتند، اما این ابزارها برای چالش‌های جدید و محیط جدید بین‌المللی مناسب نیستند. در نتیجه قدرت نرم، دیپلماسی عمومی، دیپلماسی موضوعی، تخصصی، اقتصادی و عمومی عناصر اصلی دیپلماسی جدید هستند که بایستی با بازیگران بی‌شماری با منافع مختلف مواجه شوند. اکثر ابزارهای جدید جهت مواجهه با چالش‌های نوین از جنس اطلاعات و آگاهی و خارج از کنترل مستقیم دولت‌ها و مرتبط با فناوری‌های نوین ارتباطی هستند. عرصه سیاست اندیشه‌مند، بیشتر از جنس هنجاری، فلسفی، آموزشی و تمدنی است، لذا اطلاعات و عناصر قدرت نرم از اهمیت زیادی برای دولت‌ها در عرصه دیپلماسی و روابط خارجی برخوردار می‌شود.

توانایی دیپلماسی جهت مقابله با تهدیدات و چالش‌های جدید، نیازمند انجام اصلاحات در برداشت‌های سنتی دولت محور از دیپلماسی، اصلاحات ساختاری، استفاده از ابزارها و تکنیک‌های نوین متناسب با عرصه سیاست اندیشه‌مند، تغییر در رویه‌ها و کارکردهای گذشته دیپلماسی، برخورداری از انعطاف و اهمیت دادن به همکاری و حضور مؤثرتر و قوی‌تر در بستر رویدادهای بین‌المللی است.

عدم توجه به تحولات ایجاد شده در محیط جدید بین‌المللی موجب ناکارآمدی و افزایش هزینه‌های دولت‌ها در عرصه سیاست خارجی می‌شود. به باور وین<sup>۱</sup> انسجام جامعه جهانی و افزایش قدرت اقتصادی و شناختی بازیگران غیردولتی، مشروعیت و مطلوبیت

کاربرد نیروی نظامی را در حل و فصل اختلافات مهم بین‌المللی کاهش داده است. از مقایسه میزان واکنش جهانی به جنگ اول آمریکا علیه عراق در سال ۹۱ و جنگ دوم آمریکا علیه عراق در سال ۲۰۰۳ می‌توان به اهمیت نقش جامعه جهانی، بازیگران غیردولتی و شبکه‌های اطلاعاتی در کاهش اعتبار و شکست سیاست‌های هژمونی طلبانه دولت نومحافظه‌کار آمریکا پی برد. (۴۲)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## منابع و مآخذ

1. Barston, R.P. (2006), *Modern Diplomacy*, London: Pearson Education, Third Edition, pp.1-9.
۲. واتسون، آدام، (۱۳۸۵)، دیپلماسی: گفتگو میان دولت‌ها، ترجمه: داود آفایی و لیلی گل افشان، تهران: انتشارات نسل نیکان، صص. ۱۳-۱۲.
3. Brown, Sheryl J. (2001), "Diffusion of Diplomacy, IMF, The Magazine on Information Impacts", (July) at: [http://www.cisp.org/imp/july\\_2001/07\\_01brown.htm](http://www.cisp.org/imp/july_2001/07_01brown.htm).
4. Strange, Susan (1994), *Rethinking Structural Change in the International and Political Economy*, New York: Martin Press, pp. 41-46.
5. Geoffrey L. Herrera, (2003), "Technology and International Systems", *Millennium Journal Of International Studies*, Vol 32, pp. 559-593.
6. Ronfeldt, David and John Arquilla, (2000), "What if There is a Revolution in Diplomatic, Affaires", United State Institute of Peace, Washington DC., at: <http://www.usip.org/virtualdiplomacy/publications/reports/ronarqISA99.html>.
۷. صدوقی، مرادعلی، (۱۳۸۴)، فناوری‌های اطلاعاتی و حاکمیت ملی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ص. ۵۴.
8. Geoffrey L. Herrera, OP. Cit.
۹. دیویس، آلبرت و دانیل پاپ، (۱۳۸۵)، گزیده‌ای از عصر اطلاعات: الزامات امنیت ملی، ترجمه: علی‌علی‌آبادی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، صص. ۵۲-۵۰.
10. Hocking, Brian (2007), "Diplomacy: New Agendas and Changing Strategies", *IPM Magazine*, (23 July), at: [www.cisp.org/imp](http://www.cisp.org/imp).
11. Litfin, Karnet (2002), *Public Eyes: Satellite Imagery, the Globalization of Transparency and*

New Surveillances Networks, in Information Technologies and Global Politics, Ed by James Rosena and J. P. Singh, State University of New York Press, pp. 65-89.

12. Herrera, Geoffrey, OP. Cit.

13. Rosenau, James N. (2002), "Information Technologies and the Skills, Networks and Structural that Sustain World Affairs", in Information Technologies and Global Politics, Op. Cit., pp. 275-287.

14. Singh, J. P. (2002), "Information Technologies and the changing Scope of Global Power and Governance", in Information Technologies and Global Politics, Op. Cit., p. 1-38.

15. David Ronfeldt and John Arquilla, Op. Cit.

16. Incisive Interactive Marketing LLC (2007), [www.clickz.com](http://www.clickz.com)

17. David Ronfeldt and John Arquilla, Op. Cit.

18. Vlahos, Michael (1998), "Entering the Infosphere", Journal of International Affairs, Vol. 51, at: The Questia Online Library, [www.questia.com/PM.qst?a=o&se=gglsc&d=5001406740](http://www.questia.com/PM.qst?a=o&se=gglsc&d=5001406740)

19. Cunningham, Phillip J., (1997), "Teilhard de Chardin and the Noosphere", CMC Magazine,(March), at: [Http://www.december.com/cmc/mag/1997/mar/cunning.html](http://www.december.com/cmc/mag/1997/mar/cunning.html).

20. Gerny, Philip G. (2000). "Structuring the Political Arena: Public Goods, State and Governance in a Globalizing World", Routledge U.Y., pp. 21-36.

21. Wapner, Paul (2000), "The Normative Promise Of Non State Actors: A Theoretical Account Of Global Civil Society", in P. Wapner and L. Ruiz ,eds, Principled World Politics, Lanham: Rowman and Littlefield, pp.261-275.

22. Nye ,Joseph (2004), Soft Power, Book Review, Futurcaste Online Magazine. Vol 6, No. 9, at: [www.Futurcasts.Com](http://www.Futurcasts.Com)

23. Rosenau, James N. Op. Cit.

24. Hart, Jeffrey A. and Sangbae Kim (2005), "The Global Political Economy of Wintelism: a New Model of Power and Governance in the Global Computer Industry", in *Power in Global Governance*, New York: Cambridge University Press, pp. 143-168.
25. Barnett, Michael and Raymond Duvall (2005), *Power in Global Governance*, Op. Cit., p.353.
26. McDowell, Stephen D. (2005), "Understanding Shifts the Form and Scope of Telecommunications", In *Power in Global Governance*, Op. Cit. pp. 211-234.
27. David Ronfeldt and John Arquilla, Op. Cit.
28. Geoffrey L. Herrera, Op. Cit.
۲۹. هتته، جوردن و دیگران، (۱۳۸۴)، اقتصاد سیاسی بین‌المللی و جهانی شدن، ترجمه: حسین پوراحمدی، تهران: نشر قومس، صص. ۳۵-۳.
30. Ryan, Michael P. (1998), *Knowledge Diplomacy: Global Competition and the Politics of Intellectual Property*, Washington DC., The Brookings Institution Press, pp. 191-203.
31. Brown, Sheryl J. and Margarita S. Studemeister (2001), "Virtual Diplomacy: Re thinking Foreign Policy Practice in the Information Age", *Information Security*, Volume 7, pp. 28-44.
۳۲. برای مطالعه بیشتر در خصوص دیپلماسی مجازی رجوع شود به: بیات: محمود (۱۳۸۵)، دیپلماسی دیجیتال، تهران: مرکز اسناد وزارت امور خارجه.
۳۳. وایت، برایان، «دیپلماسی»، (۱۳۸۳)، در کتاب جهانی شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عصر نوین، نوشته: جان بلیس و استیو اسمیت، ترجمه: ابوالقاسم راه‌چمنی، تهران: مؤسسه ابرار معاصر، جلد اول، صص. ۷۴۲-۷۱۳.
۳۴. رنجبر، مقصود، (۱۳۸۴)، سیاست خارجی توسعه محور، پایگاه اطلاع‌رسانی خبری - تحلیلی ریسنا، پژوهشکده مطالعات راهبردی، در: <http://www.rissna.ir/ViewTK.asp?txtC=184111201060001001>
35. Henrikson, Alan K. (2006), "Diplomacy, Possible Futures", the *Hague Journal of Diplomacy*, Volume 1, Number 1, pp. 3-4.



36. For More Studies Referring to: Barston, R.P, (2006), Modern Diplomacy, London: Pearson Education, Third Edition.

37. For More Studies Referring to: Mark Weiser (1997), "Virtual Tooles for Real Diplomacy", Virtual Diplomacy Conference, United State, Institute for Peace, Washington DC, (1-2 April).

۳۸. وایت، برایان، پیشین.

39. Lewis, James A., (2001), "On Being a Diplomat in The Information Age", Center For Strategic and International Studies, Washington DC., (16 November), at:

[http://www.csis.org/index.php?Option=com\\_csis\\_pubs&task=view&id=796](http://www.csis.org/index.php?Option=com_csis_pubs&task=view&id=796).

40. Jeffry R. Cooper (2001), "Diplomacy in the Information Age: Implication for Content and Conduct", IMP Magezine Information Impacts,(23 July), p. 15.

41. Rosenu, Op. Cit.

42. Wyne, Ali (2006), "The Future of Power", MURJ, Volume 13, Spring, at:

<http://web.mit.edu/murj/www/v13/v13-Features/v13-f4.pdf>.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی